



نقش عوامل فرهنگی

مهندس جعفر یعقوبی
عضو هیئت علمی گروه ترویج
و آموزش کشاورزی دانشگاه
زنجان

Jafar230@yahoo.com

اقدامات انجام شده، عدم توجه به ساختارهای اجتماعی، مشکلات اقتصادی و دیدگاهها و گرایشها و سطح آگاهیها و دانش فنی مردم است.

بخشی از این عوامل که امروزه بیش از پیش مورد عنایت واقع شده به عنوان امور فرهنگی یاد می شود. به منظور روشن تر شدن موضوع و تبیین مسئله لازم است تعاریف و محدوده امور فرهنگی ابتدا مطرح شده و مصادقها و مسایل فرهنگی مطرح در حوزه منابع طبیعی مورد بحث و بازبینی واقع شود. نوشتار حاضر سعی بر آن دارد تا با طرح این مسئله در حد مقدمات و با توجه به منابع و نظرات موجود جنبه های فرهنگی در منابع طبیعی بویژه در بحث تخریب و پیشگیری از بیابانی شدن عرصه ها را بررسی و تبیین نموده و راهکارهایی را برای حل مسایل و بکارگیری عناصر فرهنگی در فعالیتهای بیابانزدایی پیشنهاد نماید. برای تحقق اهداف

می گذارند. بنابراین عوامل فنی و تکنولوژیکی به تنهایی برای بهبود وضعیت منابع طبیعی کافی نیست و برای کسب نتایج بهتر، بایستی در کنار این عوامل به مسایل فرهنگی و اجتماعی نیز توجه کافی مبذول شود و در برنامه های مربوط به مدیریت منابع طبیعی از عوامل فرهنگی این بهره برداران استفاده شود.

مقدمه:

در مجموعه عوامل مرتبط با بیابان زایی و تدوین برنامه برای بیابانزدایی به عوامل فرهنگی کمتر توجه شده است. این چنین تصور می شود که کاربرد تکنولوژی و ارائه توصیه های فنی برای تاثیرگذاری بر عوامل طبیعی مانند آب و خاک و گیاه می تواند در بهبود وضعیت و جلوگیری از پیشرفت بیابان و تخریب منابع طبیعی نقش اول را داشته باشد. ولی با دقت نظر در مسایل و مشکلاتی که در چند دهه اخیر مطرح شده است و ارزیابی نتایج برنامه های بیابان زدایی در این دوران آشکار می شود که مسایل تکنیکی و فنی مرتبط با عوامل طبیعی به اندازه کافی پیشرفت نموده است و در توصیه های مربوط به آن مشکلات زیادی وجود ندارد. بلکه دلیل عدم موفقیت

چکیده:

در زمینه عوامل مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی، طی سالهای گذشته عوامل فرهنگی کمتر مورد توجه واقع شده و تصور می شود کاربرد تکنولوژی و ارائه توصیه های فنی می تواند در بهبود وضعیت منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب آن نقش اصلی را داشته باشد، ولی با دقت نظر در تجربه چند دهه اخیر آشکار می شود که یکی از دلایل عدم موفقیت اقدامات انجام شده نادیده گرفتن ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بهره برداران محلی است. نتایج به دست آمده نشان می دهد در فرهنگ بهره داران محلی کشور، بعضی از رویه های سنتی مانند آداب و رسوم کوچ، هوتک کردن، تقسیم بندی مراتع، قرق بندی مراتع و تعیین مناطق علف چر وجود دارند که نشانگر آگاهی و توجه بسیار زیاد آنها نسبت به مسایل منابع طبیعی می باشد. همچنین مشخص شد روستاییان و عشایر در زمینه بهره برداری از منابع طبیعی دارای دانشهای بسیار باارزشی می باشند که به علت سازگاری این روشهای بومی با شرایط محلی بهره برداری از منابع طبیعی کمترین خسارت را به جا

پیش گفته سرفصلهایی چند بایستی مورد بحث قرار گرفته و تبیین شوند که اهم آنها عبارتند از: تعریف فرهنگ و جنبه های مختلف آن، عوامل فرهنگی مرتبط با منابع طبیعی، تجزیه و تحلیل نقش عوامل فرهنگی در رابطه با منابع طبیعی، نتیجه و بحث.

روش مطالعه

برای نیل به اهداف این مطالعه که بررسی نقش عوامل فرهنگی در حفاظت از منابع طبیعی می باشد از روش بررسی اسناد و مدارک مکتوب و همچنین نظرخواهی از کارشناسان و خبرگان محلی در امور منابع طبیعی استفاده شده است. نتیجه نهایی چنین کاوش و بررسی هایی، استخراج مسایل و مشکلات و ارائه پیشنهادی در جهت تدوین برنامه ها و اقدامات مورد نیاز برای بکارگیری عناصر فرهنگی در پدیده های اجتماعی و اقتصادی بیابان زدایی خواهد بود.

فرهنگ و جنبه های مختلف آن تعاریف و مفاهیم

فرهنگ مفهومی گسترده است که از دیدگاه هر یک از صاحب نظران جامعه شناسی و انسان

خرده فرهنگ؛ خرده فرهنگ شامل بسیاری از عناصر فرهنگ کلی تر که خود جزئی از آن است می باشد. اما در ضمن شامل بعضی از جنبه های خاص است که در فرهنگ کلی تر وجود ندارد و یا در سایر اعضا جامعه دیده نمی شود (ص ۵۴).

فولکور: این واژه در مجموع به آداب و سنن، حکایات، داستانها و باورهای مردمی یک ملت اطلاق می گردد. در واقع معرف دانشی است که هدف آن مطالعه ابعاد سنتی مثل شیوه زندگی، آداب و رسوم، عادات، باورها، اسطوره ها، ضرب المثل ها، اعمال و رفتار اجتماعی توده مردم (عوام)، جشنها، رقصها، آوازها، افسانه ها، اعتقادات و خرافات حتی زبان و گویشها و لهجه ها می باشد (طیبری ۱۳۷۴). فولکور در واقع بخشی از فرهنگ گذشته محسوب می شود.

ارزش ها: گیدنز ۲ (۱۳۷۷) ارزشها را عقایدی می داند که افراد با گروههای انسانی درباره آنچه که مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. ارزشهای مختلف نمایانگر جنبه های اساسی، تنوعات در فرهنگ انسانی است. ارزشها به عنوان ملاک اهمیت زیادی در مقاصد تحلیلی علوم اجتماعی و انسانی دارند. ارزشها نتیجه نغای هدفها، مقاصد و کنشهای اجتماعی می باشد.

دیگران اهمیت دارد. این نظریه توسط ترمبلی و دانلپ (۱۹۵۵) مورد آزمون قرار گرفت که براساس آن مشخص شد، کشاورزان روستایی در مقایسه با روستاییان غیرکشاورز توجه کمتری به مسایل محیطی دارند و در بهره برداری از منابع محیطی عوامل زیستی را در نظر ندارند.

براساس دیدگاه اقتصادی و محیطی روستاییان هم به مسایل محیطی اهمیت می دهند و هم در ساختار ارزشی آنها توسعه و پیشرفت اقتصادی مدنظر است. در باب این مسئله که کدام دیدگاه از موانع موجود صحیح است و کدام یک صحت بیشتری دارد راه حل ساده ای وجود ندارد. انگاره نوین توسعه ضمن تاکید بر محوریت مردم در توسعه و نقد نظرات کارگزاران توسعه، مفهوم توسعه را به نفع مردم ختم می کند و بیشتر کارگزاران توسعه را نیازمند و مستحق آموزش و یادگیری می داند. (چمبرز ۱۹۹۷)

علیرغم اینکه در طول سالیان گذشته همواره روستاییان و بهره برداران محلی عامل اصلی تخریب منابع طبیعی معرفی شده اند و تقصیر ناکامی همه برنامه های حفاظت و احیا منابع طبیعی به گردن این قشر زحمتکش انداخته شده است، ولی مطالعات علمی و دقیقی که در این زمینه صورت گرفته است نه تنها

در حفاظت از منابع طبیعی

شناسی تعابیر و تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. به گفته طیبری (۱۳۷۴) بیش از ۲۵ تا ۳۰ تعریف برای فرهنگ برشمرده اند. عده کمی به خصوصیات مادی آن اشاره دارند و عده ای به اندیشه روانشناسانه برای روابط فرد و اجتماع اهمیت فوق العاده قایل شده اند. برای تفسیر و تبیین این واژه مناسب است به منابع جامعه شناسی و انسان شناسی رجوع کنیم. آنچه در این مسیر مهم است جدا نمودن تعاریف فرهنگ از برخی کج فهمی هاست.

چیتامبار (۱۳۷۳) به نقل از وایت فرهنگ را بدین شرح تعریف می کند:

فرهنگ مشکل از پدیده ها و شامل اعمال (الگوهای رفتاری)، اشیا (ابزارها و چیزهایی که با ابزار ساخته می شوند)، افکار (اعتقادات و دانش ها) و احساسات (ارزشهای نگرشی) است که متکی بر استفاده از نمادهاست.

به نظر چیتامبار تعریف کیوبر از فرهنگ برای مقاصد جامعه شناسی مناسب ترین تعریف می باشد. در آن تعریف فرهنگ عبارت از الگوی دائمی متحول شونده، رفتار آموخته و محصولات آن شامل نگرش ها، ارزشها، دانشها و ساخته های مادی دست بشر که افراد جامعه در آن سهیم اند و آن را به دیگران منتقل می کنند (چیتامبار، ۱۳۷۳).

ارزشها، اعتقادات و نگرشها با تاثیری که بر رفتار مردم بهره برداران می گذارند در تحول تکنولوژیکی نقش بسزایی دارند. ارزشها و اعتقادات را نمی توان مستقیماً مشاهده نمود، بلکه باید با استفاده از فرآیند و شواهد موجود به آنها پی برد.

دیدگاههای حاکم بر توسعه پیرامون رفتار روستاییان در ارتباط با منابع طبیعی

در رابطه با نحوه نگرش بهره برداران روستایی و عشائری نسبت به منابع طبیعی و محیط زیست و مسایل حفظ و احیا و بهره برداری از این منابع دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. این دیدگاهها را می توان بطور کلی به سه دسته تقسیم کرد:

۱. دیدگاه ضد محیطی
 ۲. دیدگاه ضد رشد
 ۳. دیدگاه اقتصادی محیطی
- استدلال دیدگاههای ضد محیطی و ضد رشد بر این مبنا قرار دارد که جمعیت روستایی اتکای زیادی به استفاده از منابع طبیعی دارد و از این رو برای مردم روستایی ارزش بالقوه اقتصادی این منابع بیش از زیبایی محیط و اثرات

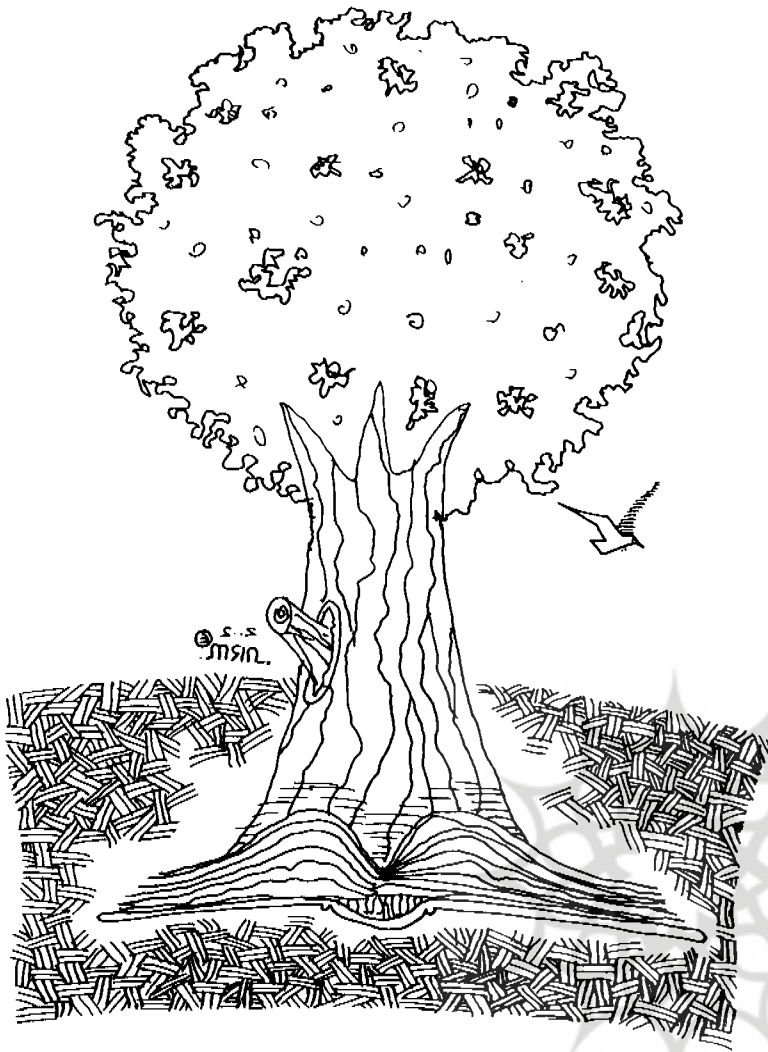
خلاف دیدگاه فوق را اثبات می کند، بلکه بیانگر توجه و علاقه روستاییان به حفظ محیط زیست و تلاش آنها در این زمینه می باشد. به عنوان مثال مطالعه ای که در سال ۱۳۷۸ در روستاهای شهرستان دره شهر صورت گرفت از تایید دیدگاه اقتصادی محیطی حکایت می کند (زینی و نند، ۱۳۷۸) براساس این مطالعه مشخص شد ۶۵/۷ درصد مردم تناوب کشت را رعایت می کنند و ۴۲/۳ درصد از روستاییانی که تناوب کشت را رعایت می کنند بکارگیری آن را حفاظت از خاک زراعی و تقویت آن می دانند.

این امر بیانگر این واقعیت است که روستاییان در کنار کارهای اقتصادی خود به حفظ محیط زیست و منابع طبیعی نیز توجه شایانی دارند. همچنین علیرغم دیدگاه غالبی که در زمینه عدم اعتقاد و همکاری روستاییان در حفظ محیط زیست وجود دارد، مطالعه فوق نشان داد ۶۲/۳ درصد از روستاییان معتقدند مردم روستایی می توانند در حفظ محیط زیست کمک زیادی نمایند.

در مورد اینکه روستاییان چه کسانی را متولی حفاظت از محیط زیست می دانند نیز دیدگاههای مختلفی وجود دارد و اعتقاد غالب بر این است که روستاییان خود را متولی حفاظت از محیط زیست نمی دانند بلکه نهادهای دولتی

علیرغم اینکه در طول سالیان گذشته همواره روستاییان و بهره برداران محلی عامل اصلی تخریب منابع طبیعی معرفی شده اند و تقصیر ناکامی همه برنامه های حفاظت و احیا منابع طبیعی به گردن این قشر زحمتکش انداخته شده است ولی مطالعات علمی و دقیقی که در این زمینه صورت گرفته است نه تنها خلاف دیدگاه فوق را اثبات می کند، بلکه بیانگر توجه و علاقه روستاییان به حفظ محیط زیست و تلاش آنها در این زمینه می باشد.

را مسئول و متولی اصلی این امر می‌دانند و لذا در زمینه حفظ و احیا مراتع تلاشی به عمل نمی‌آورند. طرفداران این اعتقاد عدم فعالیت روستاییان را در احیا مراتع و منابع طبیعی تخریب شده دلیلی برای ادعای خود می‌دانند ولی بررسی دقیق و عمقی علت عدم مشارکت مردم در حفظ و احیا محیط زیست اطراف خود بیانگر این واقعیت است که روستاییان اگرچه خود را در مقابل حفاظت منابع طبیعی و مراتع اطراف خود مسئول می‌دانند ولی به علت مشکلات و مسایلی که دارند و عدم توجه به این مسایل و نیازهای آنها در برنامه‌ها توانایی مشارکت در این امر را ندارند. لذا در اینجا مسئله، بی‌توجهی به مشکلات و نظرات بهره‌برداران است. مثلا در یک بررسی از نمونه‌ها سؤال شده است که در کارهایی که دولت در زمینه حفاظت از منابع طبیعی انجام داده آیا شما همکاری کرده‌اید؟ در مجموع ۴۰ درصد از پاسخگویان جواب منفی داده‌اند. در مورد علت عدم همکاری ۳۵ درصد پاسخ داده‌اند که در مورد کاری که می‌خواهند انجام دهند از منظر خواهی نکردند و ۵۰ درصد گفته‌اند از ما خواسته نشد که همکاری کنیم. ۲۵ درصد بقیه نیز علت عدم همکاری خود را مسایلی چون بی‌اعتمادی و بی‌اعتقادی به نتیجه کار، نداشتن وقت، رایگان بودن کار،



دولت و مردم است و واقعیاتی که در حال حاضر در زمینه استفاده بی‌رویه از منابع و مراتع وجود دارد از روی ناچاری می‌باشد به طوری که منطق روستاییان و جنگل نشینان در پاسخ به این سؤال که چرا محیط زیست را تخریب می‌کنند این است که:

اولا ما باید بتوانیم خود زنده بمانیم تا از مواهب و نعمتها و زیباییهای طبیعت استفاده کنیم. آنها می‌گویند وقتی زندگی خود، ناپایدار و در معرض نابودی است، کدام طبیعت و کدام آینده و چه امیدی؟ و بیان می‌کنند پلی سیر از گرسنه خبر ندارد و دولت از حال ما بی‌خبر است (طباطبایی، ۱۳۷۱)

توجه به واقعیات فوق نشان می‌دهد که بین فقر و تخریب محیط زیست رابطه دو طرفه‌ای وجود دارد و تخریب مراتع در نتیجه فشار و اجبار فقر به هیچ وجه نشانگر نگرش منفی روستاییان به منابع طبیعی و محیط زیست نمی‌باشد. این امر توجه بیشتر مسئولان و برنامه‌ریزان را در مدنظر قرار دادن نیازها و خواسته‌های بهره‌برداران محلی می‌طلبد.

نتیجه آنکه به طور کلی روستاییان و عشایر که بهره‌برداران اصلی از منابع طبیعی می‌باشند در مجموع توجه به ارزشهای زیست محیطی را

برای خود مردم است و لذا باید با نظر و خواست آنها به اجرا درآید، شاهد این درصد بالای عدم همکاری نبودیم.

تحقیقاتی که در زمینه طرز نگرش بهره‌برداران روستایی نسبت به محیط زیست صورت گرفته بیانگر نظر مثبت این بهره‌برداران نسبت به مسایل محیط زیست است. در یک نمونه تحقیقی دیگری که در این رابطه انجام گرفت تایید گردید که نگرش روستاییان نسبت به ارزشهای محیطی و اقتصادی از ریحجان مساوی برخوردار است. با به عبارتی در فرهنگ روستاییان بین حفظ متوازن محیط و توسعه اقتصادی رابطه معنی داری وجود دارد. (زینی وند، ۱۳۷۸) همچنین تایید شد که روستاییان هم نسبت به محیط و هم توسعه اقتصادی نگرش مثبتی دارند. در پاسخ به این سؤال که متولی حفظ محیط زیست چه کسانی می‌باشند ۳۴ درصد دولت را متولی حفاظت از محیط زیست می‌دانستند، ۷ درصد مردم را و ۸۹ درصد دولت و مردم را مشترکا متولی می‌دانستند. (زینی وند، ۱۳۷۸)

با توجه به نتایج فوق می‌توان استنباط نمود که نگرش روستاییان در مورد حفاظت از محیط زیست یک نگرش مشارکت جویانه توسط

عشایر که جزو بهره‌برداران اصلی از منابع طبیعی می‌باشند در زمینه زمان کوچ دارای آداب و رسوم خاصی هستند. در بهار تا گیاهان نرسیده و جان کبک در آبدی جابجا نمی‌شود و تا ساقه نبات استوار نگردد و گیاه به گل نشیند کوچ صورت نمی‌گیرد. در بهار گیاهان سبز و پریشک قشلاق رها می‌شوند تا زرد و خشک شود و برای زمستان باقی بماند و در پایین قسمتی از علوفه خشک بر جای می‌ماند تا بذرات در پناه بوته‌ها و در غلاف ساقه‌ها و خوشه‌ها از میان نرود.

کمی‌دستمزد و نظایر آن عنوان نموده‌اند. (بازیان، ۱۳۷۳).

در اینجا باید گفت در جریان اجرای طرحها، اگر نگرش حاکم این بود که کارهای انجام شده

در کنار توسعه اقتصادی معقول مورد توجه قرار می دهند و این ارزشها را باور دارند. البته بدیهی است که آنها ارزشهای صرف اقتصادی یا زیست محیطی را نیز به عنوان یک پدیده مطلوب نمی پذیرند. بلکه توجه به هر دو واقعیت را به عنوان اصل مسلم در توسعه روستایی قلمداد می کنند. همانطور که اشاره شد عامل عمده ای که باعث بی تفاوتی یا احيانا مخالفت روستائیان نسبت به طرحهای حفظ و احیای محیط زیست می شود، نادیده انگاشته شدن و عدم توجه به نیازها و مشکلات آنها می باشد و ضروری است که در برنامه ریزی های آتی به این امر توجه کافی مبذول شود. زیرا در صورت مشارکت دادن روستائیان در برنامه های زیست محیطی آنها در صورت تخریب محیط انگیزه لازم برای تلاش و سرمایه گذاری برای رفع آنها را دارا می باشند و در عین حال از کنترل فعالیتهای اقتصادی به منظور تنوع بخشیدن به اقتصاد نواحی روستایی نیز استقبال می کنند.

فرهنگ ملی و انعکاس مسایل منابع طبیعی در آن آگاهیهای عمومی و نقش آن در جلوگیری از تخریب منابع و بیابانزدایی

در زمینه میزان آگاهیهای عمومی نسبت به اهمیت و ظرفیتهای منابع طبیعی در ایران بعضی از رویه های سنتی وجود دارند که نشانگر آگاهی بهره برداران نسبت به مسایل منابع طبیعی می باشد. به عنوان مثال در گذشته ای نه چندان دور مراتع را برحسب تعداد دام در هر گله تقسیم بندی می کردند و بیش از ظرفیت هر منطقه اجازه چرا به بهره بردار داده نمی شد

محلی به ظرفیتهای مراتع آگاه هستند و برای جلوگیری از تخریب آن، دام بیش از ظرفیت بر مراتع و چراگاهها تحمیل نمی کنند. از جمله رویه های دیگری که از آگاهی عمومی بهره برداران سنتی نسبت به جایگاه منابع طبیعی حکایت دارد می توان قرق بندی مراتع و آیش در زراعت و زراعت متناوب اشاره نمود که تقریباً همه بهره برداران محلی و سنتی ایران به آن عمل می کنند.

باورها و اعتقادات

وقتی مناطق فقیر از نظر پوشش جنگلی و مرتعی را می نگریم، اینجا و آنجا قطعات کوچکی از جنگلهای رامی بینیم که با همان شرایط اولیه حفظ شده اند. غالباً اینها بیشه های مقدسی هستند که جان به در بردن از زوال را مرهون باورهای سنتی و مذهبی هستند. بعضی از باورهای سنتی و ارزشهای فرهنگی عوامل قویتر از نواحی تعیین شده قانونی همچون پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده برای حفظ محیط هستند. طراحی پارکهای ملی برای حفظ محیط زیست مفهومی غربی است که همواره برای مناطق غیراروپایی مناسب نیست. از سوی دیگر اگر حفظ محیط بر باورهای سنتی فرهنگی مبتنی باشند و روستائیان و بهره برداران به آسانی آنها را درک کنند اقبال بیشتری برای حفظ محیط زیست برای نسل آینده وجود خواهد داشت. (یونسکو، ۱۹۹۵)

در باورها و سنتهای محلی و مذهبی مردم کشور ما نیز به خوبی به اهمیت منابع طبیعی و حفظ آن توجه شده است که استفاده از آنها در برنامه ها و طرحهای حفاظت منابع طبیعی و محیط زیست در موفقیت این برنامه ها نقش

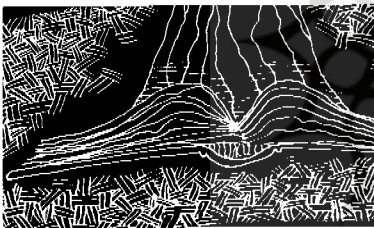
عکس آن هم صادق است، بطوریکه از بیابان به عنوان محل زندگی مظهر زشتی و پلیدی یعنی دیو تعبیر می شود. همه اینها بیانگر اهمیت حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن در فرهنگ و باورهای دیرینه مردم می باشد.

بریدن درخت و از بین بردن سرسبزی محیط زیست در فرهنگ مردم ایران کاری زشت محسوب می شود. به عنوان مثال در میان مردم سروستان ریشه کن نمودن درخت سبز گناهی بزرگ محسوب می شود و اعتقاد دارند بریدن درخت سبز باعث خشم طبیعت می شود. (همایونی، ۱۳۷۱).

از جمله استنادات فرهنگی دیگر که نقش قابل توجهی در حفظ منابع طبیعی و محیط زیست داشته است، تقدس قابل شدن به بعضی از درختان می باشد. تقریباً در میان بیشتر عشایر و روستائیان درختان انجیر و زیتون از تقدس والایی برخوردار است. به عنوان مثال عشایر استان ایلام و همچنین مردم سروستان درخت انجیر و زیتون را بهشتی می دانند و هرگز آنها را قطع نمی کنند (میرنیا، ۱۳۶۹).

با توجه به مطالب فوق اگر در توسعه و احیا منابع طبیعی از این درختان استفاده شود باورهای فرهنگی مردم به خودی خود مکانسیم هایی را برای حفظ آن ایجاد خواهد نمود.

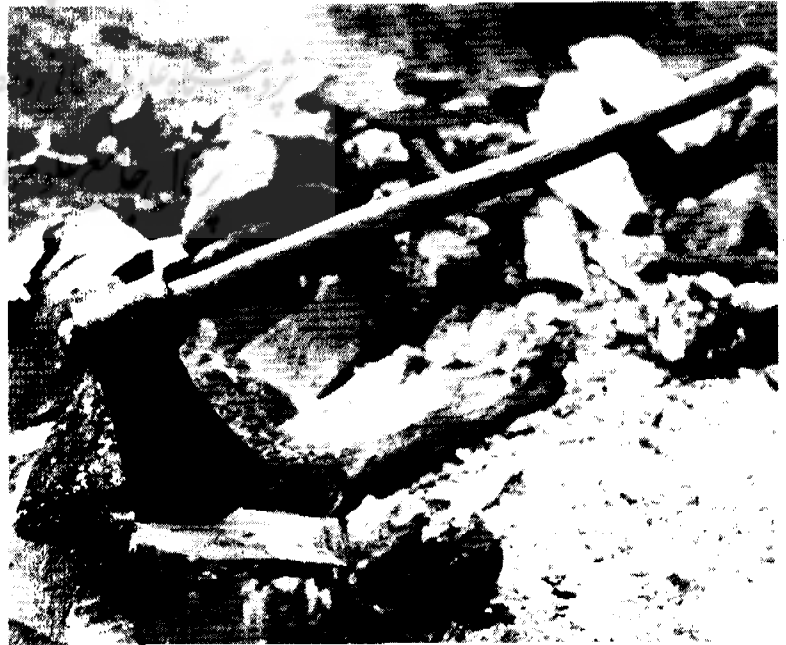
زیرا این باورها و ارزشهای سنتی و فرهنگی



عواملی قویتر از مقررات قانونی برای حفظ محیط هستند. در این راستا از درختان دیگری که به صورتهای مختلف در میان طوایف از تقدس و احترام ویژه برخوردار هستند می توان به درختان سدر، ناویی، بادام کوهی و گیبرج اشاره نمود.

رویه های سنتی مردم در زمینه حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست

با نگاهی به بهره برداری سنتی و همیشگی عشایر و روستائیان از مراتع در طی سالیان دراز می بینیم باوجود استفاده مداوم از این منابع تخریب چندانی انجام نگرفته است و تنها در چند دهه اخیر تخریب مراتع با شدت زیادی همراه گشته است. با بررسی آداب عشایر و روستائیان در زمینه بهره برداری از این منابع مشخص می شود که آنها از مکانسیم های مختلف و در عین حال بسیار ساده برای حفظ منابع طبیعی استفاده می کنند که این استفاده و بهره برداری متضمن حفظ منابع می باشد. در فرهنگ بومی مردم رویه های سنتی که در آن به منابع طبیعی توجه بسیار می شود فراوان است که در اینجا به عنوان مثال به چند مورد



مورثی می تواند ایفا کند.

احترام ویژه به سرسبزی و آبادانی ویژگی است که به جرئت می توان گفت در فرهنگ همه طوایف و مردم ایران ریشه دارد و البته

(خلیلی، ۱۳۷۳). این رویه عشایر و روستائیان در بهره برداری از منابع طبیعی که هنوز هم در میان بعضی از روستائیان و عشایر بر جا مانده است به خوبی بیانگر این واقعیت است که مردم

۱- قوانین عشایر در زمینه کوچ

عشایر که جزو بهره برداران اصلی از منابع طبیعی می‌باشند در زمینه زمان کوچ دارای آداب و رسوم خاصی هستند. در بهار تا گیاهان نرسیده و جان‌نگیر اجدی جایجا نمی‌شود و تا ساقه نبات استوار نگردد و گیاه به گل نشتیند کوچ عمودی صورت نمی‌گیرد. در بهار گیاهان سبز و پریشفت قشلاق رها می‌شوند تا زرد و خشک شوند و برای زمستان باقی بمانند و در

بایز قسمتی از علوفه خشک بر جای می‌ماند تا بدر نبات در پناه بوته‌ها و در غلاف ساقه‌ها و خوشه‌ها از میان نرود. (کریمی، حسین، ۱۳۷۵) تخریب شدید منابع طبیعی و از بین رفتن مراتع طی سالهای اخیر و ریشه کن شدن بعضی از گونه‌های گیاهان مرتعی به خوبی اهمیت این آداب عشایر در کوچ در زمینه بهره‌برداری منظم از منابع را نشان می‌دهد.

۲- هوتک کردن

اهالی منطقه دشتبار اقدام به مهار سیلابها از

طریق ایجاد بندهای خاکی و گودالهایی برای جمع‌آوری و ذخیره آب می‌کنند که اصطلاحاً به این امر هوتک کردن می‌گویند. اهالی این منطقه و در کنار این بندها و گودالها به کاشت درختان چند ساله از جمله درخت پرداخته و در زیر اشکوب آنها به کشت گونه‌های علوفه‌ای از قبیل سورگوم و ماش اقدام می‌نمایند.

۳- تقسیم بندی مراتع

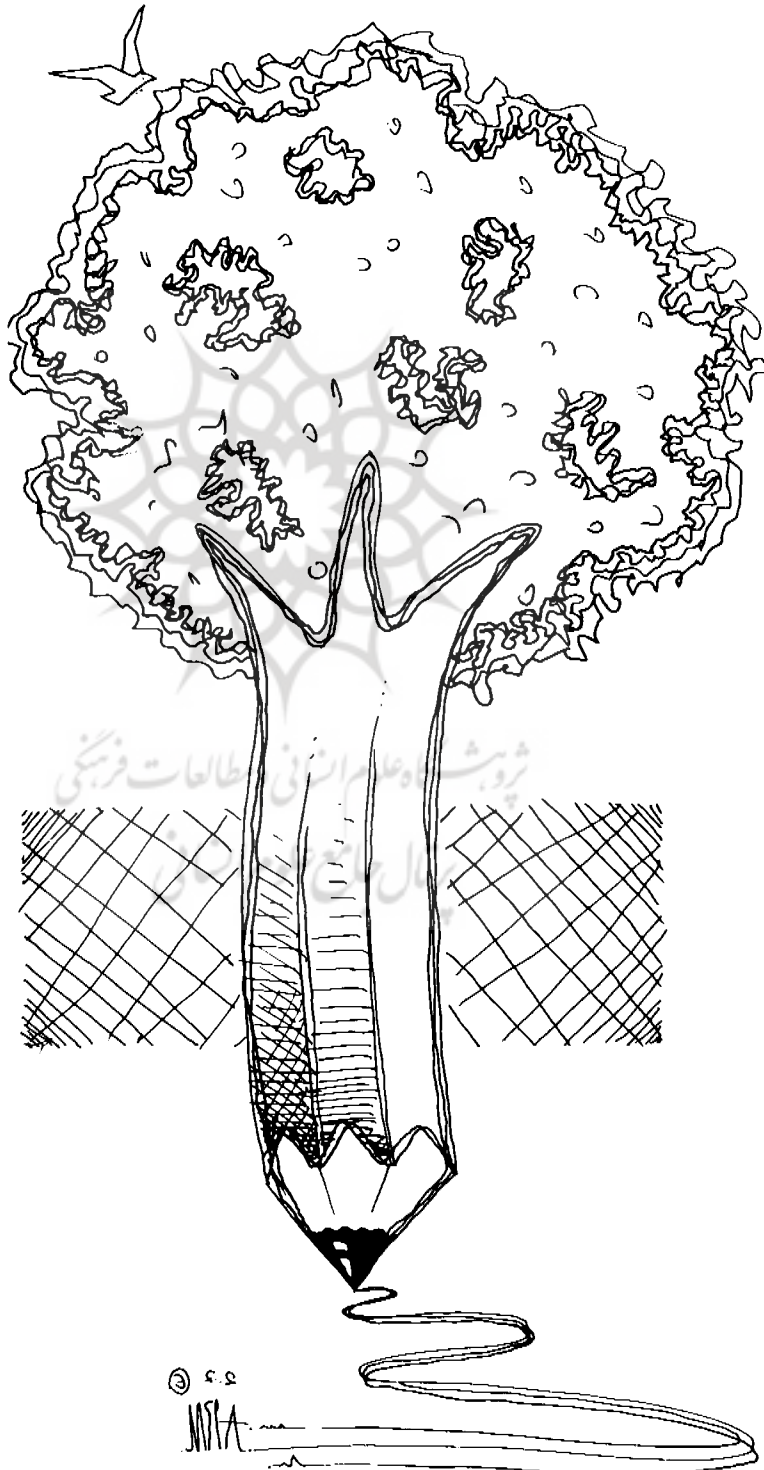
روستاییان و عشایر در گذشته نه چندان دور مراتع را برحسب تعداد دام در گله تقسیم‌بندی می‌کردند و هر گله‌ای در مراتع تعیین شده چرا می‌کرد. این کار در تمام زمانها در مراتع بیلابقی انجام می‌گرفت و از چرای مفراط و تحمیل دام بیش از ظرفیت مراتع جلوگیری می‌نمود. (خلیلی، ۱۳۷۳)

۴- قرق بندی مراتع

مسئله قرق از دیرباز در ایران رایج بوده است و این امر تمهیدی برای حفظ گونه‌های گیاهان می‌باشد و به عنوان مکانیسمی برای حفاظت گونه‌های گیاهی و جلوگیری از ریشه کن شدن این گونه‌ها می‌باشد و امروزه مشخص شده است که قرق موجب حفظ مراتع و گونه‌های علوفه‌ای می‌شود.

۵- مالکیت مشاعی و مناطق علف چر

در میان روستاییان ایران از دیرباز رسم بر این بوده است که منطقه‌ای را در کنار روستاها برای رشد بیشتر علفها باقی می‌گذارند و نام آن را (آلف چر) و یا (علف چر) می‌نامیدند. این منطقه با خودیاری مردم و توافق خود دامپروران و خانواده‌های روستایی انتخاب می‌شد و در



از جمله دانشهای بومی بسیار باارزش که مختص فرهنگ ایران است ایجاد کبوترخانه هاست که از کود آن برای حفظ حاصلخیزی خاک استفاده می‌شد. توسعه این روش می‌تواند به عنوان جایگزین کودهای شیمیایی که صدمات جبران ناپذیری به محیط زیست وارد کرده‌اند قرار گیرد. سازگاری روشهای دانش بومی با شرایط محلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی کمترین خسارت را برجا می‌گذارد.

نگرش روستائیان در مورد حفاظت از محیط زیست یکنگرش مشارکت جویانه توسط دولت و مردم است و واقیاتی که در حال حاضر در زمینه استفاده بی‌رویه از منابع و مراتع وجود دارد از روی ناچاری می‌باشد به طوری که منطق روستائیان و جنگل‌نشینان در پاسخ به این سوال که چرا محیط زیست را تخریب می‌کنند این است که:

اولا ما باید بتوانیم خود زنده بمانیم تا از مواهیب و نعمتها و زیباییهای طبیعت استفاده کنیم. آنها می‌گویند وقتی زندگی خود ناپایدار و در معرض نابودی است، کدام طبیعت و کدام آینده و چه امیدی؟ و بیان می‌کنند که سیر از گرسنه خبر ندارد و دولت از حال ما بی‌خبر است.

طبیعی بایستی در کنار عوامل فنی به نقش عوامل فرهنگی و دانش و رویه‌های بومی و سنتی روستائیان و عشایر نیز توجه کافی مبذول شود و در برنامه ریزی‌های مربوط به مدیریت منابع طبیعی از این عوامل استفاده شود.

پی نوشت:

- 1- folklore
- 2- Gydenze

فهرست منابع و مأخذ

از کیا، م (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات

انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، فرهنگ مردم لرستان، تهران، انتشارات افلاک

انصاری، ناصر (۱۳۷۶)، بررسی دلایل و عوامل موثر بر عدم مشارکت عشایر در طرح‌های احیا و اصلاح مراتع، مجموعه مقالات اولین سمینار جنگل و مرتع، تهران، سازمان جنگلها و منابع طبیعی کشور

نازبان، غلامرضا (۱۳۷۷)، نظرات و دیدگاههای بهره برداران از مراتع منطقه افروز فارس جهت بهتر شدن وضعیت مرتع خود مقاله ارائه شده به اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، دام و آبزیان (مجموعه مقالات جلد دوم)، تهران، انتشارات معاونت ترویج مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی

حلیلی، حمزه (۱۳۷۳)، پژوهشی پیرامون ایلات ماکو، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (منتشر نشده)، دانشکده علوم اجتماعی

رفیع پور، ف (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستائیان به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی

زیمی، وند، محمود (۱۳۷۸)، محیط روستایی و نگرشهای توسعه روستایی در شهرستان دره شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای روستایی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده)، دانشکده علوم انسانی، صص ۱۰۸-۹۵

طباطبایی، محمد و فرهنگ صفریانی (۱۳۷۸)، منابع طبیعی کردستان (جنگلها و مراتع) تهران، انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

طیبری، وح (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی مردم شناسی ایلات و عشایر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۷۴

میرنیا، علی (۱۳۶۹)، فرهنگ مردم فولکور ایران، تهران، انتشارات بارسا

همایونی، صادق (۱۳۶۹)، فرهنگ مردم سروستان، تهران، انتشارات وزارت اطلاعات

یاکوب، اداورد یولاک (۱۳۶۱)، سفرنامه یولاک (ایران و ایرانیا)، مترجم کیاکاوس جهاناداری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، صص ۱۱۷۱۸

یعقوبی، جعفر و حشمت ذارع (۱۳۷۹)، نگرشی بر دانش بومی، ماهنامه علمی جهاد، شماره فروردین و اردیبهشت، صص ۶۸

بوسکو (۱۳۷۳)، توسعه فرهنگی و محیط زیست، مترجم محمد، شارع پوره، تهران، مرکز پژوهشهای بنیادی، صص ۷۴

بوسکو (۱۳۷۶)، فرهنگ و کشاورزی ویژه دهه جهانی توسعه، مترجم محمد فاضلی، تهران، مرکز پژوهشهای بنیادی

روی زخمهای سالهای قبل زخم ایجاد کنند بایستی حداقل دو سال از ترمیم زخم سال گذشته باشد تا زخم قبلی توسط چوب التیامی کاملا پوشیده شود. توجه بدین روش نشان می‌دهد که بهره‌برداری سنتی تا چه حد به حفاظت درختان توجه دارد. همچنین بهره برداران سنتی سفر درختانی را که سفزندارند تشخیص می‌دهند و از زخم کردن آنها خودداری می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۱)

نتیجه و بحث

با بررسی ادبیات غالب بر توسعه روستایی در طول چند دهه گذشته مشخص می‌شود که اعتقاد غالب بر این بود که عامل تخریب منابع طبیعی بهره‌برداران محلی می‌باشند و کاربرد تکنولوژی فنی به عنوان عامل اصلی در جلوگیری از تخریب منابع طبیعی می‌باشد. ولی نتایج بدست آمده از برنامه‌هایی که با این دیدگاه وبدون توجه به نقش بهره‌برداران روستایی و عشایر اجرا شده نشانگر عدم موفقیت این برنامه‌ها می‌باشد و غلط بودن این دیدگاهی که روستائیان را عامل اصلی تخریب منابع طبیعی می‌داند، ثابت شده است. بطور کلی روستائیان و عشایر که بهره‌برداران اصلی از منابع طبیعی می‌باشند در مجموع توجه به ارزشهای زیست‌محیطی را در کنار توسعه اقتصادی مغفول مود توجه قرار می‌دهند و این ارزشها را باور دارند. بدیهی است که آنها ارزشهای صرف اقتصادی یا زیست محیطی را نیز به عنوان یک پدیده روستایی قلمداد می‌کنند. همانطور که اشاره شد عامل عمده‌ای که باعث بی‌تفاوتی یا احیاناً مخالفت روستائیان نسبت به طرحهای حفظ و احیای محیط زیست می‌شود، نادیده انگاشته شدن و عدم توجه به نیازها و مشکلات آنها می‌باشد و ضروری است که در برنامه‌ریزی‌های آتی به این امر توجه کافی مبذول شود، زیرا در صورت مشارکت دادن روستائیان در برنامه‌های زیست محیطی، آنها در صورت تخریب محیط انگیزه لازم برای تلاش و سرمایه‌گذاری برای رفع آنها را دارا می‌باشند و در عین حال از کنترل فعالتهای اقتصادی به منظور تنوع بخشیدن به اقتصاد نواحی روستایی نیز استقبال می‌کنند. لذا برای کسب نتایج بهتر در برنامه‌های حفاظت از منابع

زمانی که آن را قرق می‌کردند، کسی حق‌نداشت در آنجا دامها را بچراند تا زمانی که علف رشد کرده و انبوه شود رسم فوق به عنوان یک مکانسیم بسیار موثر در حفظ مناطق کنار روستاها بیشتر در معرض چرا و تخریب قرار دارند عمل می‌کند. نگاهی به اطراف روستاها که به علت چرای بیش از حد از گیاهان لخت شده‌اند به خوبی اهمیت این سنت دیرینه و احیای تقویت آن را روشن می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۱).

دانش بومی به عنوان بخشی از فرهنگ بهره برداران از منابع طبیعی

دانش بومی دانشی است که افراد جوامع معینی در طول زمان آن را توسعه داده و به اصلاح و بهبود آن ادامه می‌دهند. مهمترین ویژگیهای دانش بومی عبارتند از (یعقوبی و زارع، ۱۳۷۹):

- ۱- برپایه تجربه قرار دارند
- ۲- در طول قرن‌ها با کار بر روی آن مورد آزمایش قرار گرفته است
- ۳- با محیط و فرهنگ بومی سازگاری دارد
- ۴- بویا و در حال دگرگونی است

در زمینه منابع طبیعی نیز دانش بومی و محلی زیادی وجود دارد که در طی سالیان دراز حافظ منابع طبیعی بوده‌اند. این دانشها انواع مختلفی دارند که مقرر است در محبت جداگانه‌ای بررسی و گزارش داده شود ولی در جهت اهمیت آن و به عنوان یک زمینه فرهنگی قابل احیا به بعضی از آنها اشاره خواهیم داشت: در رابطه با حفظ درختان در کوهستانها از سالیان بسیار دور، ساکنین کوهستان به دور هر درخت حمصاری می‌کشیدند تا از شر بهمن محفوظ بمانند. (یاکوب، ۱۳۶۱)

از جمله دانشهای بومی بسیار باارزش که مختص فرهنگ ایران است ایجاد کبوترخانه هاست که از کودکان برای حفظ حاصلخیزی خاک استفاده می‌شد. توسعه این روش می‌تواند به عنوان جایگزین کودهای شیمیایی که صدمات جبران ناپذیری به محیط زیست وارد کرده‌اند قرار گیرد. سازگاری روشهای دانش بومی با شرایط محلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی کمترین خسارت را برجا می‌گذارد. در بهره‌برداری سنتی از سفر چنانچه لازم باشد بر